

کنکاشی در زندگی و آثار

ملّا فایده کاشانه

حسین ستار
عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

دکتر حمیدرضا فدیمی تبار
عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

www.ketab.ir

به همت:

موسسه احیای فرهنگ کاشان



سرشناسه	فتح :	۹۸۸-۹
عنوان و پدیدآور	حمیدرضا فهیمی تبار، حسین ستار	
مشخصات نشر	تهران : دعوت ۱۳۹۱.	
مشخصات ظاهری	ص ۸۰ :	
شابک	۰ - ۸۱ - ۲۹۰۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ :	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :	
موضوع	زندگی نامه - مفسران	
موضوع	عالمان شیعی - قرن دهم	
رده بندی کنگره	۶۵۸۹/۴۵ :	
رده بندی دیویی	۱۳۹۰ ف ۸ / ۱۲۵ pc :	
شماره کتابشناسی ملی	۲۱۶۵۲۵۵ :	



کنکاشی در زندگی و آثار ملافتح الله کاشانی

دکتر حمیدرضا فهیمی تبار
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
حسین ستار
عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان
hosseinsattar@yahoo.com fahimitabar@yahoo.com

به همت:

موسسه احیای فرهنگ

آماده سازی: نشر دعوت

طرح جلد: رضا مسعود

لیتوگرافی: بهار

چاپ و صحافی: الهادی

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۸۱ - ۲۹۰۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

© حقوق چاپ و نشر محفوظ است

نشر دعوت: تهران، میدان فاطمی، ساختمان فاطمی، طبقه اول تلفن: ۸۸۹۶۲۳۳۶

www.davatpub.com Email: info@davatpub.com

فهرست مطالب

سخن آغازین / ۶

فصل یکم: بررسی زندگی ملافتح الله کاشانی، همراه با تحقیقی در

تألیفات وی / ۱۱

مقدمه / ۱۲

زندگی نامه / ۱۷

بررسی ادعای کشف الحجب / ۱۷

نبش قبر و احیای وی / ۱۹

اساتید ملافتح الله / ۲۱

آثار زواری / ۲۱

بررسی سخن مرحوم بهار در مورد زواری / ۲۴

شاگردان ملافتح الله / ۲۶

فرزندان وی / ۲۶

تألیفات / ۲۷

الف) تفسیر قرآن / ۲۷

ب) تفسیر نهج البلاغه / ۲۸

ج) ترجمه / ۲۸

د) کلامی / ۲۸

بررسی شرح و ترجمه نهج البلاغه / ۳۱

(تنبيه الغافلین و تذکره العارفین) / ۳۱

بررسی کتاب منهج الصادقین / ۳۴

بررسی یک ادعا / ۴۱

نتیجه گیری / ۴۳

منابع / ۴۴

فصل دوم: روش‌شناسی تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین / ۴۷

مقدمه ۴۸

معرفی مفسر / ۵۰

انگیزه مفسر / ۵۱

تفسیر منهج الصادقین در یک نگاه / ۵۳

قرآن به مفسر نیاز ندارد! / ۵۴

جنبه روایی تفسیر منهج الصادقین / ۵۷

استفاده از فنون ادبی / ۵۹

سخن پایانی / ۶۱

منابع / ۶۲

فصل سوم: روش‌شناسی تبیین مخالفین و تذکره العارفین / ۶۳

مقدمه ۶۴

روش‌شناختی چیست؟ / ۶۷

کاربست ادبیات عرب / ۶۸

کاربست مصطلحات و قواعد فلسفی، کلامی و عرفانی / ۶۹

کاربست روایت و قرآن / ۷۱

نقل آرا و اقتباس از دیگران / ۷۲

تکیه بر ذوق و اجتهاد شخصی / ۷۳

فرودهای ملافتح‌الله / ۷۴

منابع / ۸۰

سخن آغازین

پیامبر اکرم ﷺ: «لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ»

شگفتی‌های قرآن هرگز تمام نمی‌شود و نوآوری‌های آن به کهنگی نمی‌گراید.

حرکه آمد زمازه‌ای دارد بحر عمرش کرانه‌ای دارد
نغمه‌ای جا زمازه‌ای دارد کز حقیقت شانه‌ای دارد

قرآن، پنجره سبز ملکوت است به روی زمین زرد برهوت.

قرآن، جوشش زلال زندگی است از چشمه‌سار آبی ارزندگی.

قرآن، فوران فواره معنویت است در کویر خشک مادیت.

قرآن، شعر بلند رهایی انسان است از وحشت تنهایی زندان.

قرآن، دریچه‌ای است به خلوت خورشید و آیینی‌ای است از تجلی توحید.

قرآن، درس کندن دل است از گل و آگندن آن از فضائل.

قرآن، حضور در محضر رب است و ظهور مظاهر هر مکتب.

قرآن، قرین دل است و نگین فضایل. در افق زمان می‌درخشد و جان را

صفا می‌بخشد. آیه‌هایش فرازنده قامت ایمان است و فروزنده کرامت انسان.

قرآن سرچشمه آفتاب است و «تفسیر»، برگرفتن نقاب. شگفتا کدامین نقاب

را یارای پوشانیدن سیمای آفتاب است؟! مگر می‌توان آفتاب را نهفت و حرمان

را پذیرفت؟! تفسیر، برافکندن نقاب از چشم جان است، نه چشمه قرآن!

چشمه سار تراویده از چشم قلم آن گاه بر کویر تشنه دل‌ها می‌نشیند و

عطش را فرو می‌نشاند که چرخش قلم بر مدار فطرت و محور فکرت باشد.

اما این مهم جامه عمل نمی‌پوشد مگر با یاری و همکاری فرهیختگانی پژوهشگر و فرزانه‌گانی دانشور چون شما. انسان‌های اندیشمند چون قلم را به کف و روشنگری را هدف گیرند، ناگزیر چون شمع آتش به جان افتاده، فرا راه رهپویان در نار می‌سوزند و نور می‌افروزند. سبز سبز از ریشه می‌رویند و سخن از اندیشه می‌گویند.

ای گل تو دوش داغ صبحی پشیده‌ای

ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم

ملافتح‌الله کاشانی از تبار مفسرانی است زلال، با بیانی پرشور و حال، مفسرانی که سپیده در زلال صداقتشان رنگ می‌باخت و عشق به حکمت در کوره دلشان می‌گذاشت. آنان با حریت خود حرمت شقایق را پاس داشتند و در مال یأس، بهال باور کاشتند. خورشید در دامنشان می‌شکفت و با نیزه‌های نور، قلب شب دی‌جور را می‌شکافت. مفسران به دل تنگ آیه‌ها تبسم بخشیدند و خورشیدوار در افق تبیین و تفسیر درخشیدند. غل‌های تملق را شکستند و زنجیرهای تعلق را از هم گسستند. پرچم پرند قناعت را بر بلندای چکاد کرامت افراختند و عمری با نگاه روشن بر سپاه‌های تاختند، نه با رخس زور، که با آذرخش نور. دل‌های تشنه وحی از زلال نگاهشان آب می‌نوشیدند و از آبشار گفتارشان حدیث روشن آفتاب را می‌نیوشیدند. حنجره‌ها را پر از آواز کردند و پنجره‌ها را پر از پرواز.

ملافتح‌الله جوانه‌ای بود از تبار عارفان عاشق و شکوفه‌ای از دشت شقایق. او از عشیره عاشورا بود و نوایی از نای نینوا.

بر دل داغی از لاله داشت، اما بر دل‌ها باغی از آلاله می‌کاشت. صد زخم از دشنه فقر بر جان داشت، اما صد شکوفه از ریاحین رحمت بر زبان.

لب، تشنه داشت و دل بر لبه دشنه، اما از لبش صد جویبار حکمت می‌خروشید و در دلش هزار چشمه معرفت می‌جوشید.

کرچه کرد آلودم شرم باد از اتم
کر به آب چشمه خورشید امن تر کنم

او تشنه زلال معارف بود. ساغر جانش لبریز از باده آفتاب بود و سرشار از عطر ناب. شب‌های شیدایی را با اشک‌های ریزان ستاره‌باران می‌کرد. نیلوفر نواندیش نیاز بود. از بستر خاک روید و به ساقه افلاک پیچید. در فصل سبز جوانمردی گل داد و در موسم سرخ ایثار به برگ و بار نشست. از هر شاخسارش صد سبد شکوفه آگاهی بر زمین فرو ریخت و صحن و سرای بلاد اسلامی را به عطر مکتب وحی آمیخت.

وی تک درختی بود سبز، روید در قلب کویری زرد و صحرایی سرد، کویری به وسعت تنهایی و صحرایی با عصمت اهورایی. خزان فقر برگش را ریخت و باد گمنامی را به مرگش برانگیخت، اما در برابر طوفان‌ها قامت افراخت و استقامت ورزید. بی حنجره درد را گریست و بی پنجره در درون زیست.

هزار چشمه اشک در چشمش شکفت و هزار آشفشان درد در دل کوه خشمش نهفت.

مرغ نگاهش از کرانه‌های سپید فلق تا کناره‌های سرخ نفتی بر زد و به هر باغ و راغ سر زد، اما در این وادی بی‌فرهنگی به سوی فرهنگ شتافت، ولی نیرنگ را یافت، نه از جوانمردی، جوانه‌ای یافت و نه از نور علم، نشانه‌ای. شب‌های سرد و لحظه‌های درد را با اشک سبز بهار و خون سرخ گلنار رنگ‌آمیزی کرد. زلال سپید سحر را به روی شن زار شب ریخت و سینه‌ریز نور را بر سینه شب دیجور آویخت.

هر برگ از کتاب‌های او به صد رنگ است و از مژگان هر برگ هزار قطره مروارید آونگ است.

... و هنوز همچنان سبز سبز بر سر هر رهگذر سایه می‌افکند و آیه‌های الهی را تلاوت می‌کند.

در دیاری که غربت فرهنگ بیداد می‌کند، فرهنگ اندیشان را چه جای داد است؟ در آتش حرمان می‌سوزند و با هرم سوزان می‌سازند. این شعار اگر زبان قال شان نباشد، باری بیان حال شان است:

ای سروپای بسته به آزادی مناز آزاده من که از همه عالم گذشته‌ام

اکنون از پس چندین قرن فاصله، فصل وصال را از کتاب انفصال می‌گشاییم و از رهگذر بیان و بنان پژوهشگرانی چون استاد دکتر حمیدرضا فهمی تبار و استاد حسین ستار می‌کوشیم تا غبار زمان از سیمای این شمس فروزان بزداییم. بنابراین قلم را در کف این فرهیختگان فکور می‌سپاریم و خود سراپا چشم و گوش، حرمت استادان را پاس می‌داریم.

در عزم عشق نتوان ز دهم از کفت و شنید
ز آن که آن جا بجا چشم باید بود و کوش

موسسه «احیای فرهنگ کاشان»، تلاش برای راه شناخت و شناساندن چهره‌های دانشور و نخبگان نام آور این شهرستان بزرگ را از مهم‌ترین اهداف محوری خود می‌داند. به عنوان نخستین گام، مدتی سیمای ماندگار حضرت ملافتح‌الله بن شکرالله کاشانی فقیه، متکلم و مفسر بزرگ قرن دهم بر بلندای چکاد رفیع اولویت‌ها ایستاده است.

این کتاب در سه فصل تالیف و تدوین شده است:

نخست «بررسی زندگی نامه ملا فتح الله کاشانی و تحقیق درباره تألیفات ایشان» با قلم استاد حسین ستار عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان به رشته تحریر درآمده است.

در دومین فصل «روش‌شناسی تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین» به عنوان مهم ترین اثر تفسیری ملافتح‌الله با قلم استاد دکتر حمیدرضا فهمی تبار عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است.

سپس همین قلم «روش شناختی تنبیه الغافلین و تذکره العارفین»
(شرح نهج البلاغه) ملافتح الله را به بررسی نشسته است.

تندیس من از قامت ممتاز بگیرد ایثار من از مهر جاثناب بگیرد
نقش رخم از صفحه کیتی بزواید تصویر مراد دل خود قاب بگیرد

سید علیرضا شفیعی مطهر

www.ketab.ir